

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر نسرين معروفی
۲۷ اپریل ۲۰۱۸

چهل سال اشغال و تداوم وحشت و دهشت



فاجعه هفت ثور ۱۳۵۷ که عمق آن تار و پود هر انسانی را که ذره ای از احساس انسانی در ذهنش وجود داشته باشد، تا به امروز می سوزاند.

یادآوری از این روز را یاد از ویرانه های کشور، یاد مادران داغیده، یاد فرزندان به خون غلتیده، یاد اشک یتیمان گرسنه و پا برهنه، یاد شکنجه گاه ها، یاد آزادگان و مبارزان به خون خفته، یاد شهیدان گمنام، یاد گورستانهای دسته جمعی، یاد دربردی و بی وطنی، یاد وحشت و دهشت افگنی و ... دانسته و تجاوز را زخم ناسوری می دانم که بعد از چهل سال نه تنها که دامن جنگ و خونریزی و مصیبت بر خاسته از آن در سرزمین ما بر چیده نشد بلکه تا به امروز ما شاهد جنایاتی هستیم که در تاریخ بشریت کمتر می توان نظیر آنرا سراغ نمود.

تجربه تاریخ نشان داده است که هر گاه مردم در کنار پیروزی های نظامی، خود به حفظ دستاورد های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شان پیشقدم نگردند، خائن، وطن فروشان، ارتجاع و طبقات حاکمه استثمارگر که در ماهیت و سرشت خویش هیچ تفاوتی با اشغالگران خارجی ندارند، هیچ گاهی بدین امر مبادرت نخواهند ورزید و در عوض تلاش خواهند نمود تا مبارزه و دستاورد خلق را از محتوا تهی نموده، مطابق میل و اهداف خویش و بادران شان آن را به خورد مردم بدهند، چنانچه در کشور ما افغانستان بعد از شکست سوسیال امپریالیسم شوروی و به دست گرفتن حاکمیت جنایتبار اسلام سیاسی و به قدرت رساندن طالبان تاریک اندیش و متحجر، تجربه تاریخ کاملاً به اثبات رسید.

چهل سال پیش از امروز یعنی به تاریخ هفت ثور سال ۱۳۵۷ در کشور عزیز ما افغانستان کودتای ننگین حزب به اصطلاح "دموکراتیک خلق" شروع شد و بعداً با تجاوز جنایتکارانه سوسیال امپریالیسم شوروی متوفا که ده سال آزرگار

با مبارزه و مقاومت آزادیخواهانۀ خلق افغان روبه رو بود، ادامه یافت که سرانجام با شکست اقتضاح آمیزی مجبور به ترک کشور ما گردید، مگر پیامد خونبار سه دورۀ جنایتبار و ویرانگر به تجاوز ۷ اکتوبر ۲۰۰۱ امریکا و شرکاء بر حریم میهن دردمند ما انجامید.

طوری که می دانیم رهبری شوروی به مرور زمان با تغییر خصلت حاکمیت در شوروی و با تجاوز نظامی در کشور ما افغانستان و جنایاتی را که با همکاری حزب به اصطلاح "دموکراتیک خلق" در حق مردم افغانستان مرتکب شدند، حاکمیت هردو به محراق نفرت و انزجار خلقهای سراسر جهان من جمله خلق شوروی و افغانستان مبدل شده بود.

شوروی از یک جانب بعد از گذشتن حدود ۴۵ سال یعنی بعد از جنگ جهانی دوم مجبور گردید تا به تسلط خود در اروپای شرقی خاتمه بدهد و از جانب دیگر بعد از ده سالی که خلق دلیر افغانستان قادر شده بود تا آن ارتش سرپا مسلح را با تحقیر از کشور شان برانند، باعث اولین گسست در حلقۀ استعماری آن قدرت جهانی گردید. البته با در نظر داشت عوامل و مسائل داخلی و خارجی دیگر.

گسست در حلقۀ استعماری آن قدرت جهانی، باعث شد تا امپریالیستهای غربی به سرمداری امریکا به یاره سرائی های خود شروع نمایند و خود را مدافع آزادی، دموکراسی و حقوق بشر معرفی کرده و شروع به تبلیغات و پروپاگند نمودند. غربی ها تا توانستند از طریق دروغ پراگنی و تبلیغات کاذب، افکار عامه را به بیراهه کشیدند. طوری که ما تا به امروز شاهد اوضاع در جهان هستیم، امپریالیستها نه تنها در طول ۱۷ سال تجاوز در افغانستان با مانور های استعماری خود در مقاطع مختلف زمینه های بدبختی را در حیات و ممت روزمرۀ خلق ستمدیده افغان فراهم نمودند، بلکه با عملیات تروریستی، تهاجمات نظامی و توطئه های ساخت امپریالیستی تا توانستند و می توانند دست به قتل و قتال می زنند، دهشت و وحشت می آفرینند و اکثر کشورهای جهان را به خاک و خون یکسان نمودند. طوری که دیده می شود، جهان گرفتار آفت سرمایه داریست، معلوم نیست که سر نوشت بشریت به کجا کشانده خواهد شد.

اما کسانی که در هفده سال تجاوز امپریالیستها به کشور ما هنوز هم حاضر نیستند تا صدای خود را بلند کنند و اعمال فاشیستی امپریالیستها را محکوم نمایند و علیه آنها چه از طریق نوشتن مضامین و چه هم شفاهی و یا به هر وسیله دیگری که برای شان امکان پذیر است، دست به مبارزه بزنند، پس باید از آنها سؤال نمود: آخر با وجود این همه عملیات تروریستی، تهاجمات نظامی و ده ها بدبختی دیگر نه تنها در کشور ما افغانستان بلکه در عراق، لیبیا، سوریه و در اکثر کشورهای دیگری جهان، فاجعه باید چقدر گسترش و توسعه بیابد تا مغز های آنها را تکان بدهد. این کافی نیست که انسان فقط احساس بشر دوستی نسبت به خلق های ستمدیده داشته باشد، بلکه باید به عمق اهداف شوم امپریالیسم بالاخره پی برد، درک و شعور سیاسی خود را ارتقاء داد، نه به خاطر افغان دوستی بلکه به خاطر انسان دوستی علیه این همه مظالم موضعگیری قاطعانه نماید.

طوری که ما گزارشات رسانه ها را هر روز از نظر می گذرانیم، دیده می شود که اداره مستعمراتی از مدتی است که ندای صلح را بلند کرده، با وجودی که حاکمیت در دست امپریالیسم امریکاست و دولت گوش به فرمان و میهن ما در تصاحب آن است، با آنهم "غنی و عبدالله" و دارو دستۀ آنها با وجود عدم داشتن قدرت و حاکمیت در صدد هستند تا هنوز هم خلقها را با فریب و حیلۀ بر محور اهداف و پلانهای استعماری باداران خود بچرخانند تا باز هم مدتی آنها را در مغاک تصورات صلح خواهی غرق نمایند و آنهم صلح با گلبدین جلال و برادران داعش و طالبان.

هدف از ندای صلح، آزادی و دموکراسی و در حال حاضر ثبت نام در انتخابات کذائی و آنهم با زور سر نیزه در یک کشور اشغال شده فقط سرکوب، نفاق افگنی و از بین بردن یک پارچگی و وحدت افغانهاست.

هموطنان رنجکشیده!

بگذارید انسانهای بی هویتی که از سالهاست دست شان در جنایت و خیانت با استعمارگران به خون خلق افغان آغشته است. بگذارید میهن فروشانی که به خاطر منافع مادی از هیچ نوع همکاری با امپریالیسم دریغ نمی کنند ولو که به قیمت خون هزارها انسان افغان تمام شود. بگذارید دیگرانی که هنوز هم آرزو دارند در لجن زار امپریالیستها و ارتجاع داخل شوند. بگذارید آنهایی را که هنوز هم خلقها را دعوت به صلح و همکاری با دولت پوشالی می نمایند و آنها را تشویق می کنند تا در پروسه انتخابات و آنهم انتخابات کذائی اشتراک نمایند.

اما این خیانتکاران و این خائنان و خود فروختگان و انقیادطلبان نباید فراموش کنند که از قرنهایست که استعمار در صدد بوده و است تا جهان کشائی خود را توسعه بدهد، ولی هر بار پوزة آنها با مبارزات آزادیخواهانه خلقهای به اسارت کشیده به خاک یکسان گردیده است.

خوشبختانه طوری که ما شاهد هستیم روز تا روز سطح آگاهی سیاسی خلق افغان و خلقهای سراسر جهان در قبال توسعه طلبی و غارتگری امپریالیسم جهانی رشد نموده است. چنانچه در این اواخر تظاهرات و گردهمائی های زیادی در بسیاری از کشورهای جهان علیه آنها صورت گرفته است که انزجار شدید شان را از سیاستهای اشغالگرانه و فریبکارانه آنها ابراز داشته اند.

پس خلقهای ستمدیده و به اسارت کشیده به خصوص خلق افغانستان که چهل سال است در آتش جنگها و رقابتهای استعماری می سوزند و می سازند، باید بدانند که رهائی آنها از منجلا ببدبختی ها، مبارزه علیه امپریالیسم جهانی است و این را هم باید بدانند که هیچ گاهی ستمدیدگان با موجودیت و اقتدار امپریالیسم و دولتهای دستشاندۀ آنها به آرامی نخواهند رسید، مگر این که علیه آنها سخت سرانه و پیگیرانه مبارزه نمایند.